

مقاله علمی پژوهشی

ارزیابی و محاسبه مابه‌ازای تعهدات قراردادی در نقض قراردادها از طریق خسارات جبرانی؛

مطالعه تطبیقی نظام حقوقی کامن‌لا و ایران

هدایت‌الله سلطانی‌نژاد^۱، علی حدادزاده شکبیا^{۲*}

۱. استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران

(دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱)

Comparative Study of Constitution Damage and its Calculation in Iran and Common Law

Hedayatollah Soltaninejad¹, Ali Haddadzadeh Shakiba^{*2}

1. Assistant Professor of Private Law, Qom University, Qom, Iran

3. Ph.D. Student in Private Law, Qum University, Qom, Iran

(Received: 16/Aug/2019

Accepted: 10/Apr/2022)

Abstract

In the modern societies, principally, persons in their social relationships with each other have some logical expectations and obligations which should be respected by all people and in the other way it will conclude to some damages in this position. legislators obligation is to make law for lifting these damages from the damaged person shoulders. As one of the most important social rank in the society is voluntary obligations through the contracts by the persons, emerging contractual expectations and respecting to these is an axiomatic issue and if not respected, the offender will be responsible to the damaged person by paying money as the broken expectation substitutionary. Verifying these contractual expectations in the common law in the comparison of its Islamic one can be counted as a landmark in the determination of these expectations concept and limitation in the both systems. At last, this contribution could reach to this conclusion that there is no much difference between the Islamic Model with its common law in the matter of expectation damages, however; entity of some difference in these two systems is undeniable.

Keywords: Expectation Damages, Islamic Expectation Damages, Common Law Expectation Damages, Count of Expectation Damages.

چکیده

در جوامع انسانی، اصولاً افراد در مقابل یکدیگر موظف به رعایت یک سری تعهدات اجتماعی و قراردادی هستند که در مواردی نیز نقض این تعهدات با پشتوانه قانونی که در حمایت از آنها وجود دارد، بهره‌مند از یک مابه‌ازای متقابل از جمله جبران خسارت می‌باشند. از آنجا که یکی از مهم‌ترین شئون اجتماعی تعهداتی است که اشخاص، خود، ضمن قراردادهای گوناگون به عهده می‌گیرند، به وجود آمدن تعهدات قراردادی و رعایت آنها برای اشخاص ذیل قرارداد امری بدیهی است که در صورت نقض آنها از جانب یکی از طرفین عهده‌ی دیگری را مستحق انجام اقداماتی به عنوان مابه‌ازای نقض تعهد می‌کند. بررسی این مسئله در حقوق کامن‌لا با توجه به اینکه مابه‌ازای اصلی نقض تعهدات قراردادی ذیل عنوان خسارات جبران‌کننده است، می‌تواند در مقایسه با فقه امامیه و حقوق ایران که خسارات جبران‌کننده مابه‌ازای فرعی و نه اصلی نقض تعهد محسوب می‌شود، نقطه عطفی در تعیین مفهوم و محدوده این نوع خسارات در حقوق ایران باشد. از همین رو مقاله حاضر با مطالعه تطبیقی ارزیابی و محاسبه مابه‌ازای نقض تعهدات قراردادی در دو نظام حقوقی کامن‌لا و حقوق ایران به این نتیجه دست یافت که تفاوت چندانی در مفهوم، محدوده و نحوه محاسبه مابه‌ازای نقض تعهدات قراردادی ذیل عنوان خسارات جبران‌کننده مشاهده نمی‌شود و چشمگیرترین اختلاف در اصلی و فرعی بودن این نوع خسارات در هر یک از این دو نظام حقوقی است.

کلیدواژه‌ها: خسارت انتظار، محدوده جبران خسارت انتظار، محاسبه خسارت انتظار، خسارت انتظار در فقه امامیه، خسارت انتظار در حقوق ایران.

مقدمه

در ادبیات حقوقی ایران می‌توان معادل لفظی "constitutional damage" را «خسارات جبران‌کننده بنیادین» قرار داد.

۲. مفهوم اصطلاحی

در پی نقض تعهدات قراردادی یا غیرقراردادی، در حقیقت انتظار افراد زیان‌دیده از نقض، در رسیدن به اهدافی که در صورت پایبندی طرف دیگر به این تعهدات، ممکن بود برای ایشان ناقل آمد، زائل شده است. (Treitel, 2003: 755) برای مثال هنگامی که میان دو نفر قراردادی منعقد می‌شود، نیروی محرکه ایشان در پیوستن به قرارداد، رسیدن به یک سری اهداف اولیه، ثانویه و ... بوده است. به این صورت که هدف اولیه ایشان به دست آوردن مابه‌ازای ثمن یا مثن قرارداد و هدف ثانویه، سرمایه‌گذاری روی موضوع به دست آمده از قرارداد اولیه برای رسیدن به سود بیشتر است. بنابراین، کسب سود از موضوع قراردادی به دست آمده در قرارداد اولیه منوط به برآورده شدن انتظارات طرفین قراردادی مبنی بر پایبندی طرف مقابل به اجرای تعهداتش در قرارداد اولیه است. (Mckendrick, 2000: 397) بنابراین هنگامی که دو نفر با یکدیگر قرارداد خرید و فروش آهن می‌بندند، انتظار اولیه در قرارداد، تحویل آهن و اخذ ثمن قراردادی است و اگر انتظار اولیه برآورده شود، تحقق انتظارات ثانویه خریدار؛ یعنی فروش دوباره آهن و کسب سود بیشتر، هیچ‌گونه ارتباطی به فروشنده اول ندارد؛ چرا که او انتظارات قراردادی مدنظر خریدار را برآورده ساخته است. بنابراین، سود و زیان به دست‌آمده برای خریدار از قرارداد فروش اجناس به دیگری، هیچ‌گونه ارتباطی به فروشنده اولیه ندارد، لیکن در صورتی که انتظار اولیه در قرارداد اول آن‌گونه که شایسته است، برآورده نشود، آنگاه منجر به وجود مشکلات حقوقی خواهد شد. بدین صورت که خریدار، ضرر و زیان وارده به خود مبنی بر عدم تواناییش در انجام تعهدات خود در قراردادهای ثانویه را مرهون عدم برآورده شدن انتظاراتش در قرارداد اولیه می‌داند و متقاضی جبران زیان‌های وارده به خود از فروشنده اول می‌شود.

در تعهدات غیر قراردادی نیز اشخاص این انتظار را از دیگران دارند که به قوانین اجتماعی پایبند بوده و به ناحق مانع فعالیت و فرصت‌هایی که ممکن است از فعالیت‌های مشروع برایشان به وجود آید، نشوند. (Zimmermann, 1992: 280) بنابراین، هنگامی که شخصی در مسیر حرکت، جهت

هنگامی که قراردادی میان یک‌سری از افراد منعقد می‌شود، انتظار طبیعی ایشان از یکدیگر این است که به مفاد قرارداد پایبند بوده و موجبات نقض آن را فراهم نیاورند و در صورتی که قدرت خود در برآورده ساختن انتظارات قراردادی را از دست دهند مابه‌ازای آن را به طرف زیان‌دیده بپردازند (Treitel, 1930: 2003) که پرداخت همین مابه‌ازای قراردادی، ساختار سازمانی مفهوم خسارات جبران‌کننده به عنوان مابه‌ازای نقض تعهدات قراردادی در حقوق کامن‌لا، فقه امامیه و حقوق ایران را تشکیل می‌دهد.

خسارات واردآمده ناشی از نقض تعهدات قراردادی، گاه مربوط به توقعات مستقیم مانند اخذ ثمن و مثن قراردادی و گاه مربوط به توقعات غیرمستقیم مانند سودی که ممکن بود در نتیجه برآورده شدن تعهدات قراردادی، نصیب متعهدله شود، است که مقاله حاضر با هدف پاسخگویی به سؤالات مرتبط با محدوده طیفی جبران خسارات ناشی از هر یک از این توقعات قراردادی مستقیم و غیرمستقیم و از طریق روش تحلیلی با استفاده از سوابق پژوهشی موجود در این زمینه در حقوق کامن‌لا و تتبع در آرای فقهی و احکام حقوقی ایران سعی در تبیین این نوع خسارات در حقوق ایران خواهد داشت. از همین رو چارچوب‌بندی مقاله حاضر پس از ارائه مفهوم خسارات جبران‌کننده، از طریق تبیین محدوده جبران این نوع خسارات و نحوه محاسبه آنها در تطابق نظام حقوقی کامن‌لا با حقوق ایران تکمیل خواهد شد. با توجه به همین توضیحات در اولین گام به بررسی مفهوم خسارات جبرانی به عنوان مابه‌ازای نقض تعهدات قراردادی در حقوق کامن‌لا و ایران پرداخته خواهد شد.

مفهوم خسارات جبران‌کننده

ذیل این مبحث به تبیین و تشریح مفاهیم لغوی و اصطلاحی خسارات جبران‌کننده پرداخته خواهد شد.

۱. مفهوم لغوی

واژه مستعمل در زبان انگلیسی جهت ترسیم خسارات جبران‌کننده در حقوق کامن‌لا، "constitutional Damage" است. در توضیح لغوی لفظ "constitutionry" دو معنا آمده است: ۱- اساسی و مبنایی؛ ۲- ساختاری و بنیادین. (Oxford Advanced dictionary/ constitutional)

اعتماد متفاوت است.

با ارائه یک مثال، بهتر می‌توان به مابه‌ازای اصلی نقض تعهدات قراردادی در حقوق کامن‌لا که همان خسارات جبران‌کننده هست، پی برد. فرض کنید در قرارداد خرید و فروش یک تن آهن، طرفین قراردادی تعهدات خود را به درستی انجام دهند. در این حالت اولین وضعی که به وجود می‌آید این است که ثمن از آن فروشنده و مثنی از آن خریدار می‌شود. بنابراین، در فرضی که قرارداد از سوی یکی از طرفین به درستی انجام نشود، در اولین وهله، ناقض ملزم به پرداخت معادل جایگزین پولی است که در صورت اجرای صحیح قرارداد از ثمن یا مثنی نصیب طرف مقابل می‌شد. (Andrew, 2011: 108)

بنابراین، برآوردن مابه‌ازای این انتظار، حداقل چیزی است که می‌تواند زیان‌دیده را از پیوستن به یک قرارداد نا فرجام، تا حدودی راضی نگاه دارد (این وظیفه بر عهده هر سه نهاد خسارت انتظار، اعتماد و استرداد است).

علاوه بر این با استفاده از نهاد خسارت جبرانی انتظار حتی پا را از این نیز می‌توان فراتر گذاشت به گونه‌ای که در صورت وجود یکسری شرایط، چنانچه قرارداد به درستی اجرا می‌شود، می‌توان به طور منطقی تصور کرد که وی با یک تن آهنی که در صورت اجرای صحیح قرارداد به دست می‌آورد چه می‌کرد. حتماً از طریق فروش یا ایجاد ارزش افزوده در آنها به دنبال کسب سود بیشتر بود. این انتظار ثانویه نیز برای هر شهروندی معقول است؛ چرا که ورود به یک تعهد قراردادی، بی شک، حداقل متشکل از دو ستون حیاتی است: ۱- هدف؛ ۲- انگیزه. هدف زیان‌دیده در گام نهادنش به قرارداد اولیه خرید آهن، همان به دست آوردن عین خارجی آهن‌ها بود که از طریق خسارت انتظار اولیه می‌توان آن را جبران کرد و انگیزه بی‌واسطه او نیز، کسب سود از هدف به دست آمده، است. بنابراین این انگیزه تنیده شده در هدف که بی واسطه به آن متصل است و پیش‌بینی وجود این چنین هدف‌های ثانویه‌ای برای افراد، به هنگام ورود به تعهدات قراردادی از سوی هر فردی، عاقلانه تلقی می‌شود، پس جبران آن نیز نباید از منظر حقوقی چندان دور از دسترس باشد؛ چرا که همه می‌دانند خرید یک تن آهن صرفاً برای مصارف شخصی یا نگهداری مطلق آنها نیست، بلکه در راستای سودآوری بیشتر برای خریدار آنهاست. لذا اشکال نشود که علم حقوق، کاری به انگیزه شخصی افراد ندارد؛ چرا که انگیزه بی‌واسطه متصل به هدف، آنگاه که از مصارف شخصی خارج شده و جنبه اقتصادی و کلی می‌یابد، نام هدف ثانویه و نهایی به خود گرفته که حتی گاه از هدف اولیه

رسیدن به آزمون ورودی دانشگاه است، چنانچه دیگری با تخطی از قوانین راهنمایی و رانندگی مانع شرکت او در آزمون ورودی شود، در حقیقت، شانس حضور او در دانشگاه را از بین برده است و بنابراین، انتظار زیان‌دیده مبنی بر پایبندی سایرین در رعایت قوانین اجتماعی برآورده نشده است که همین مسئله منجر به وقوع سلسله حوادث ناگواری برای زیان‌دیده خواهد شد. حال آنکه اگر انتظار او در رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی از سوی متخلف برآورده می‌شد، موفقیت و عدم موفقیت او در آزمون ورودی دانشگاه، تنها متوجه خود او بود نه کسی که او را از شانس ورود به دانشگاه محروم کرده است.

هدف از برقراری نهاد خسارات جبرانی، در حقیقت، در مواردی که امکان جبران خسارت زیان‌دیده از طریق پرداخت پول است، بازگرداندن او به حالتی است که اگر قرارداد اجرا می‌شد، به احتمال زیاد، او در آن وضعیت قرار می‌گرفت. (Collins, 2003: 311) از همین رو خسارات جبرانی، خود به سه دسته اصلی خسارات انتظار^۱، اعتماد^۲ و استرداد^۳ تقسیم می‌شوند که خسارت انتظار به دنبال بازگرداندن زیان‌دیده به حالتی است که اگر قرارداد اجرا می‌شد، به احتمال زیاد، او در آن وضعیت قرار می‌گرفت. خسارت اعتماد به دنبال بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به حالتی است که اگر قرارداد منعقد نشده بود، او در آن حالت قرار می‌گرفت و خسارت استرداد به دنبال جبران و بازگرداندن مابه‌ازای تعهدی است که از سوی متعهد انجام نشده است. لذا خواهان می‌تواند از طریق خسارت استرداد ثمن خود را که به متعهد پرداخته لیکن مابه‌ازای آن را دریافت نکرده، بازپس بگیرد.

با توجه به توضیحات آمده، هدف نهاد حقوقی «خسارات جبران‌کننده انتظار» برخلاف نهاد حقوقی «خسارات جبران‌کننده اعتماد» است؛ چرا که در خسارات اعتماد به دنبال بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیتی هستیم که وی قبل از انعقاد قرارداد داشت (یعنی او را به وضعیتی که پیش از گام نهادن به قرارداد داشت، برمی‌گردانیم). (Arvind, 2017: 474)

حال آنکه نهاد خسارت انتظار به دلیل قرار دادن زیان‌دیده در وضعیتی که اگر قرارداد اجرا می‌شد، او در آن وضعیت قرار می‌گرفت نهادی رو به جلو و بر مبنای احتمالات واقعی است که محدوده جبرانی آن به طور گسترده‌ای از نهاد خسارات جبرانی

1. loss of bargain
2. Reliance Damage
3. Restitutory Damages

نیز مهم‌تر است و چنانچه در ذهن خریدار، هدف ثانویه ممتنع شود، هدف اولیه نیز بلاوجه مانده و هرگز او وارد چنین قراردادی نمی‌شد. (Chen-wishart, 2015: 258) از همین رو توجه به انتظارات ثانویه اشخاص و پرداخت مابه‌ازای آنها که مبتنی بر هدف اولیه و گاه از آن نیز مهم‌تر بوده از ملزومات اجتناب‌ناپذیر حقوق مدرن است (به دست آوردن این هدف مختص نهاد خسارات جبرانی انتظار است). با توجه به همین توضیحات، قواعد حقوقی نیز باید در راستایی حرکت کنند که در صورت نقض قرارداد از سوی یکی از طرفین قراردادی، زیان‌دیده را در وضعی قرار دهد که اگر قرارداد به درستی اجرا می‌شد، او به هدف اولیه و نهایی خود که بی‌واسطه، متصل به هدف اولیه بوده، نائل می‌آمد.

مفهوم اصطلاحی خسارات جبران‌کننده به عنوان مابه‌ازای ثانوی نقض تعهدات قراردادی پس از مابه‌ازای الزام به انجام تعهدات قراردادی نیز در فقه امامیه و حقوق ایران با توجه به احکام ضمنی که در نهادهای حقوقی مختلف مانند بیع، مضاربه و... در تعهدات قراردادی و نهاد حقوقی دیه در تعهدات غیر قراردادی وجود دارد، قابل تبیین است.

هنگامی که قراردادی میان چند شخص حقیقی منعقد می‌شود، قرارداد در حقیقت، موجد شرطی الزام‌آور میان طرفین قراردادی مبنی بر انجام عملی یک تعهد است. لذا برخی فقهاء، پایبندی طرفین قراردادی به انجام تعهد را صرفاً حکمی تکلیفی تلقی کرده به صورتی که اگر یکی از طرفین، تعهد خود را نقض نماید، صرفاً مرتکب گناه شده است و از حیث وضعی (جبران خسارت و پرداخت مابه‌ازا) مسئولیتی ندارد. (انصاری، ۱۴۲۷ق: ۷۲/۶) عده‌ای دیگر از فقهاء علاوه بر حکم تکلیفی، قائل به وجوب حکم وضعی نیز هستند؛ بدین صورت که ناقص عهد باید خسارات زیان‌دیده را نیز جبران کند. (قمی، ۱۴۲۰ق: ۲۳۲/۲) در هر دو نظر، فتاوای صادرشده صرفاً در ارتباط با تعهداتی است که فی نفسه ناقل ملکیت نیستند. بنابراین، با توجه به اینکه در فقه امامیه، عقود مانند بیع و اجاره که خود بدون نیاز به عمل اضافی، ناقل ملکیت هستند، همین که عقد منعقد شد، مال معامله میان طرفین منتقل می‌شود. لذا در صورتی که طرفین در عالم واقع، دست به انتقال نزنند، در حقیقت، انتظار طرف مقابل را برآورده نساخته و ضامن مثل یا قیمت آن مال به دیگری می‌باشند (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۷۶/۲) که این مبین وجود خسارات جبران‌کننده به عنوان مابه‌ازای تعهدات قراردادی (خسارت جبرانی استرداد در حقوق کامن‌لا) است.

در رابطه با عقود که خود فی نفسه ناقل ملکیت نیستند و انجام تعهد از سوی متعهد، به عنوان عملی اضافی، امری الزامی تلقی می‌شود، وقوع سه حالت ممکن الحصول است: ۱- تعهد در زمره عقود جائز باشد، به گونه‌ای که طبق قانون، این انتظار برای هر یک از طرفین به وجود آمده است که هر گاه بخواهند از تعهد خود رجوع نمایند. پس انتظار ماندن در قرارداد از سوی یکی از طرفین بی‌جا بوده و گرفتن خسارت جبرانی تحت عنوان مابه‌ازای نقض تعهدات قراردادی، از بابت عدم پایبندی دیگری به تعهدات قراردادی سالبه به انفاع موضوع و ناموجه است. ۲- تعهد به صرف انعقاد قرارداد منجز نمی‌شود، بلکه نیازمند عمل ثانویه‌ای چون قبض و... است. در این حالت نیز هنوز انتظاری به وجود نیامده که بتوان در مقابل نقض آن مابه‌ازایی اخذ کرد. ۳- تعهدات غیرناقلی که طرفین به نحو الزام‌آوری با یکدیگر منعقد می‌کنند، مانند پیمانکاری و... که در این حالت برای طرفین انتظارات قراردادی در معنای کامل خود به وجود آمده است. لذا بررسی موضوع خسارات جبرانی تحت عنوان مابه‌ازای نقض تعهدات قراردادی در فقه امامیه و حقوق ایران تنها ذیل دو مصداق می‌گنجد: ۱- خسارات جبرانی در عقود که خود فی نفسه ناقل ملکیت هستند. ۲- خسارات جبرانی ذیل عقود که به نحو الزام‌آوری طرفین را متعهد به انجام عملی می‌کنند.

حال که مفهوم لغوی و اصطلاحی خسارات جبرانی روشن شد، مسئله مهم دیگر، محاسبه این‌گونه خسارات است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

محاسبه خسارات جبرانی

ذیل این مبحث به نحوه محاسبه خسارات جبرانی در حقوق کامن‌لا و حقوق اسلامی پرداخته خواهد شد.

۱. نحوه احتساب در حقوق کامن‌لا

در حقیقت، هنگامی که زیان‌دیده خواستار بازگرداندن شدن خود به وضعیتی باشد که اگر قرارداد به درستی انجام می‌شد، او در آن وضعیت قرار می‌گرفت، جهت ارزیابی خسارات وارد آمده به وی در حقوق کامن‌لا، لاجرم باید یکی از این دو راه را پیمود: ۱- پرداخت مابه‌التفاوت ارزش؛ ۲- هزینه اصلاح. (Tritel, 2003: 938)

به منظور تبیین بهتر هر یک از این دو راه، پیش از پرداختن به آنها، ابتدا لازم است پرونده پایه‌ای که موجب مطرح شدن این دو راه در حقوق کامن‌لا شده است، شرح گردد.

را نقض کرد. در پی نقض عهد، خریدار، خود دست به آببندی زمین زد و از آنجا که در این حالت، خریدار تنها مستحق اخذ هزینه کارهایی است^۲ که انجام داده و با توجه به اینکه تفاوت ارزشی میان زمین آببندی شده با غیر آن بسیار اندک است، به گونه‌ای که این تفاوت قیمت، معادل اخذ هزینه برای آب-بندی زمین است، لذا هزینه آببندی زمین، خود معیاری جهت تعیین تفاوت ارزشی زمین آببندی نشده با زمین آببندی شده است؛ به صورتی که استفاده از هر یک از این دو معیار، عملاً از نتیجه یکسانی بهره‌مند خواهند شد.

۲. ارزش واقعی یا ارزش بازاری^۳

در راستای پرداخت مابه‌ازای نقض تعهدات قراردادی، هنگامی که معیار تفاوت ارزشی^۴ یا هزینه اصلاح^۵ به میان می‌آید، این سؤال به وجود می‌آید که برای جبران خسارت، آیا باید ارزش واقعی تعهد نقض شده پرداخت شود یا ارزش بازاری آن. بدین توضیح که هرگاه تعهدی نقض می‌شود، موضوع تعهد، گاه در بازار به علت نوسانات اقتصادی از قیمتی برخوردار است که نسبت به قیمت واقعی دارای اختلاف است. برای مثال هنگامی که ذیل تعهد قراردادی، متعهد، ملزم به تحویل صد سکه طلا بوده، پس از نقض تعهد چنانچه قیمت هر سکه دو برابر شود، آیا وی ملزم به پرداخت خسارت به میزان قیمت سکه‌ها در موعد انجام تعهد بوده، است یا اکنون که قیمت سکه در بازار بالا رفته است.

در نظام حقوقی کامن‌لا، در صورتی که قیمت بازاری وجود داشته باشد، قاعده اولیه به کار بستن همین معیار است؛ چرا که هدف از خسارات جبرانی، بازگرداندن زیان دیده به حالتی است که اگر قرارداد اجرا می‌شد، وی در آن وضعیت قرار می‌گرفت. (Mulcahy, 2008: 211) البته باید توجه کرد هنگامی که با مسئله نقض تعهد روبه‌رو می‌شویم، این مسئله، خود دربرگیرنده سه حالت مختلف است که هر کدام نیز در رابطه با مسئله جبران خسارت از وضع ویژه‌ای برخوردار است که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

مفهوم نقض عهد، تنها، نهفته در عدم تحویل ثمن یا مثن نیست، بلکه گاهی تحویل ثمن یا مثن با تأخیر روبه‌رو شده و

بحث و گفت‌وگو برای انتخاب یکی از این دو شیوه، بازمی‌گردد به یک پرونده انگلیسی که در آن یک شرکت ذغال‌سنگ طی قراردادی متعهد می‌شود که یک زمین کشاورزی را که قبلاً در آن عملیات حفاری صورت گرفته بود، به وضعیت اولیه‌اش بازگرداند. حال اگر زمین به وضعیت اولش بازگردانده می‌شد، هزینه اصلاح آن ۲۹/۰۰۰ دلار بود که در نتیجه این اصلاح قیمت زمین در نهایت تفاوت چندانی نمی‌کرد. در این پرونده که پیمانکار از تعهد خود سر باز زده بود، این سؤال مطرح شد که آیا وی صرفاً مسئول پرداخت هزینه اصلاح زمین یعنی ۲۹/۰۰۰ دلار به صاحب زمین کشاورزی است یا مسئول پرداخت مابه‌التفاوت قیمت زمین اصلاح‌شده با حالت حفاری شده آن که از تفاوت قیمتی اندکی مثلاً ۵۰۰ دلار بهره‌مند بود، است. (Ibid: 942)

در حقوق کامن‌لا، اصولاً آنچه در تعیین یکی از دو شیوه مذکور جهت احتساب خسارات جبران‌کننده مهم است، تحقق نتیجه‌ای است که مبتنی بر رعایت حسن نیت باشد. بنابراین، به کارگیری هر یک از این دو معیار بنا به نتیجه‌ای که ممکن است به دست دهند، در شرایط مختلف، متفاوت خواهد شد. (Forte, 2000: 39) از همین رو در اغلب موارد از آنجا که متعهد، موضوع تعهد را آنگونه که در قرارداد آمده، انجام نداده است، ملزم به پرداخت موضوع جایگزین آن؛ یعنی پولی که معادل مابه‌التفاوت ارزشی دو ملک با یکدیگر است، می‌شود. البته رعایت این قاعده مانع آن نیست که در برخی موارد، آنگاه که هم متعهد به انتظارات قراردادی خود می‌رسد و هم متعهد به هنگام جبران خسارت، زیان کمتری می‌بیند، حکم به پرداخت هزینه اصلاح داد. بلکه در چنین مواردی مطابق با اصل «لزوم اعمال حسن نیت در الزامات تعهدی»، متعهد باید صرفاً هزینه اصلاح و نه مابه‌التفاوت ارزشی میان دو ملک را به متعهدله بپردازد. از همین رو در پرونده ساختمان‌سازی که در آن پیمانکار، متعهد به کارهای ساختمانی شده بود، پس از نقض تعهدش، ملزم به پرداخت هزینه اصلاح و نه مابه‌التفاوت ارزشی شد. (Treitel, 2003: 945)

البته گاه در مواقعی، نتیجه به کارگیری هر یک از این دو شیوه یکسان است. برای مثال در پرونده دن علیه اینلی^۱ فروشنده زمین که متعهد به آببندی حیات خلوت ساختمان جهت جلوگیری از سرایت آب به زیرزمین شده بود، تعهد خود

2. cost of the works
3. Actual and market values
4. difference in value
5. the cost of substitute

1. Dean vs Ainley

سوی متعهدله پذیرفته شود، با توجه به اینکه موضوع تعهد به متعهدله تحویل شده است، اقدام وی برای خرید کالای جایگزین از سوی شخصی دیگر موضوعاً منتفی است. با این حال، در این وضع نیز تصور متضرر نشدن متعهدله بیهوده است؛ چرا که زمان تحویل کالا با توجه به اینکه قیمت بازاری یک کالا، بنا به شرایط اقتصادی بازار، ممکن است هر لحظه دچار نوسان شود و از این رو متعهدله می‌تواند از این باب، علیه متعهد، خواهان پرداخت مابه‌ازای نقض تعهد گردد. (Milton, 148: 2009) برای مثال اگر قرار باشد یک تن شکر در زمانی که قیمت آن در کشوری به اوج خود رسیده است، در تاریخ معینی تحویل شود، از آن جهت که رقابت تجاری برای تسخیر بازار هدف آن چنان تنگاتنگ است که هر ثانیه ممکن است به علت عرضه کالا و پایین آمدن تقاضا، قیمت آن دچار افت گردد؛ در صورتی که خریدار شکرها قرار بود در آن وهله زمانی هر کیلو شکر را کیلویی سه تومان عرضه کند با تأخیر حتی چند ساعته متعهد و به علت نوسانی که در قیمت شکر در آن کشور به وجود آمده، وی مجبور است هر کیلو شکر را دو تومان عرضه کند که در هر کیلو شکر یک تومان متضرر می‌شود و در صورتی که طلب چنین ضرری از متعهد در درجه معقولانه‌ای از انتظار قراردادی قرار گرفته باشد، لاجرم متعهد باید آنها را جبران کند.

۲-۳. انجام موضوع تعهد به صورت معیوب

هنگامی که ثمن یا مثنی به طور معیوب تحویل داده شود، چنانچه این عیب مانع عدم پذیرش کالای معیوب از سوی متعهدله نشود و وی کالای معیوب را با همان شرایطی که دارد، بپذیرد، ضرر وارد شده به متعهدله صرفاً مابه تفاوت قیمت حقیقی کالای معیوب با قیمت حقیقی کالایی است که اگر آن عیب را نداشت، دارای ارزش بیشتری می‌بود. از همین رو قیمت قراردادی و نیز قیمت بازاری کالا در محاسبه این‌گونه ضررها کنار گذاشته می‌شود. (Treitel, 2003: 944)

در حالت مذکور زمانی که به طرف پایبند به قرارداد وارد آمده، در حقیقت ناشی از اقدام او به تهیه کالای جایگزین نیست، بلکه زیان واردآمده به وی ناشی از اخذ کالایی با ارزشی کمتر از آنچه که به وی وعده داده شده است، می‌باشد. از همین رو چنانچه وی کالای معیوب را هرچند با قیمتی بالاتر یا پایین‌تر از آنچه که خود دریافت کرده به دیگری بفروشد، تأثیر بر گستره طیفی جبران خسارات او نخواهد داشت. البته در صورتی که خریدار کالای معیوب به واسطه اعتمادش به

گاه معیوب از آب در می‌آید. از همین رو نحوه جبران خسارت به این عنوان که ملاک را قیمت بازاری و یا واقعی قرار دهیم در سه حالت مختلف از نقض عهد یعنی ۱- عدم تحویل موضوع تعهد؛ ۲- تحویل همراه با تأخیر موضوع تعهد؛ ۳- تحویل معیوب موضوع تعهد، قرار می‌گیرد، دارای تفاوت‌هایی می‌شود که موضوع گفت‌وگوی مباحث آتی خواهد بود.

۲-۱. عدم تحویل موضوع تعهد

هنگامی که متعهد از عهد خود سرپیچی می‌کند و موضوع مورد تعهد را تحویل ندهد، طرف دیگر می‌تواند نیاز خود را با خرید موضوع جایگزین از شخصی دیگر غیر از فروشنده اول، برطرف کند. در این هنگام، چنانچه قیمت خرید کالا از دیگری گزاف‌تر از آنچه که در قرارداد اولیه بوده، باشد، زیان‌دیده مستحق اخذ این مابه‌التفاوت است و هر گاه که تحویل کالا در محل معینی موضوع تعهد متعهد باشد و او از آن سرپیچی کرده باشد، مابه‌التفاوت قیمت قراردادی با قیمت بازاری، همان محلی که قرار بود کالا در آنجا تحویل داده شود، معیار محاسبه قرار می‌گیرد. البته گاه خرید کالای جایگزین از حیث قیمت، مقارن با قیمت قراردادی است که نباید موجب این اشتباه شود که پس در این حالت، دیگر خریدار یا فروشنده مستحق جبران خسارت نیستند، بلکه در همین حال نیز با توجه به اینکه زیان‌دیده برای خرید کالای جایگزین، باید خود را در وضعیتی هزینه‌آفرین قرار دهد و از این بابت متحمل هزینه‌هایی شود، بدیهی است که باید زیان‌های وارده به وی جبران شود. (Young, 2009: 131)

۲-۲. تحویل همراه با تأخیر موضوع تعهد

در صورتی که تحویل همراه با تأخیر موضوع تعهد ذیل عنوان وحدت مطلوب^۱ بگنجد، در این حالت، تأخیر در انجام تعهد موجب نقض عهد در معنای عدم تسلیم موضوع تعهد است که در این حالت نحوه جبران خسارت همانند مورد قبل است که توضیحش گذشت، اما در صورتی که تأخیر در انجات تعهد ذیل عنوان تعدد مطلوب^۲ قرار گیرد و انجام موضوع تعهد متأخر، از

۱. وحدت مطلوب به حالتی گفته می‌شود که در آن زمان انجام تعهد دارای خصوصیت بوده و پس از گذشت آن زمان به علت از بین رفتن موضوعیت، دیگر انجام تعهد نیز فایده‌ای ندارد.

۲. در تعدد مطلوب، زمان انجام تعهد خصوصیتی ندارد و اگر متعهد در زمانی پس از موعد نیز تعهدش را انجام دهد به علت وجود موضوعیت، باطل نیست.

مسئله عرضه کالای معیوب آنگاه که در کالای نهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، نیست.

این کاهش قیمت در حقیقت نوعی نسبت‌سنجی میان قیمت واقعی و قیمت معیوب است، نه صرفاً پرداخت مابه التفاوت میان آنها که موضوع پرداخت ما به التفاوت ارزشی بود. برای مثال در فرضی که خریدار ۱۰۰۰ کیلو پرتقال معیوب دریافت می‌کند، وی باید قیمت واقعی آن پرتقال‌های معیوب را به نسبت قیمتی که اگر آن پرتقال‌ها سالم بودند، می‌داشتند، احتساب کرده و آنگاه تفاوت قیمت را بر حسب نسبت‌گیری محاسبه کند. بنابراین، اگر پرتقال‌های واقعی معیوب به نرخ کیلویی ۱۰۰۰ تومان باشد و قیمت واقعی همین پرتقال‌ها در صورتی که سالم بودند، کیلویی ۲۵۰۰ تومان بود، نسبت قیمت سالم به معیوب می‌شود ۲/۵ برابر و اگر قیمت قراردادی این کالای معیوب به نرخ کیلویی ۱۵۰۰ تومان باشد، فروشنده باید $\frac{1}{2/5}$ برابر قیمت واقعی کالای سالم را به خریدار پس بدهد که می‌شود معادل هر کیلو ۱۰۰۰ تومان. حال اگر قائل به پرداخت تفاوت ارزشی میان دو کالا باشیم، این‌گونه حساب می‌شود که قیمت واقعی کالای معیوب منهای قیمت واقعی کالای سالم فارغ از قیمت قراردادی آن که می‌شود هر کیلو معادل ۱۵۰۰ تومان. بنابراین، در حقوق کامن‌لا با توجه به اینکه قیمت قراردادی از آن حیث که خریدار یا فروشنده، خواهان دریافت کالایی بوده که اگر آن را مطابق قرارداد دریافت می‌کرد، دارای ارزش واقعی، فارغ از قیمت توافقی طرفین، می‌بود و اکنون که معیوب از کار درآمده نیز دارای قیمت واقعی خارج از توافق مدنظر طرفین است. لذا معیار سنجش خسارت در این حالت نیز قیمت واقعی معیوب و سالم - نه قیمت قراردادی - است. (Treitel, 2003: 948) بنابراین، از منظر این نظام حقوقی حتی در مواردی که زیان‌دیده از عرضه‌کننده قیمتی بیش از ثمن قراردادی به عنوان خسارت دریافت کند، ذیل عنوان مابه‌ازای نقض تعهدات تبعی قرار گرفته و مشروع است.

خسارات جبرانی و نحوه محاسبه در فقه امامیه و

حقوق ایران

ذیل این مبحث به بررسی خسارات جبرانی در فقه امامیه و حقوق ایران پرداخته خواهد شد. البته همان‌گونه که قبلاً گفته شد، مدخل اصلی گفت‌وگوهای فقهی در رابطه با خسارات جبرانی، عقود ناقل ملکیت و تعهدات الزام‌آور غیر ناقل است که در ادامه، توضیح خواهد آمد.

فروشنده نسبت به صحت کالای تحویل شده، از آن به عنوان محصول واسطه در افزودن ارزش به کالا یا محصولی دیگر استفاده کند، در صورت برآورده نشدن انتظارات خریدار نسبت به کارایی کالای واسطه به واسطه عیبی که در آن وجود داشته موجب نقص در محصول نهایی و زیان رساندن به مصرف‌کنندگان نهایی شود، تعیین محدوده جبران خساراتی که بر عهده وی قرار می‌گیرد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای مثال در صورتی که یک کارخانه یخچال‌سازی، خریدار کیت‌های الکترونیکی از یک شرکت واسطه باشد، چنانچه این کیت‌ها دارای عیب نهفته بوده باشد و موجب صحیح کار نکردن یخچال‌ها شود، نحوه جبران خسارات واردآمده به مصرف‌کنندگان نهایی و نیز تولیدکننده یخچال‌ها به چه نحوی می‌تواند باشد.

در پرونده Bemce Graphics Ltd V Fasson

دعوایی مشابه آنچه گفته شد، مطرح گردید و خواهان، خواستار دریافت مابه‌ازای نقض تعهد از زمانی که کالای معیوب را دریافت کرده بود، به علاوه قیمتی که اگر کالای واسطه معیوب نبود از آن بهره‌مند می‌گردید، شد. کلیت این ادعا با اکثریت آراء در مرحله فرجام رد شد. بدین دلیل که فروشنده کالای معیوب تنها مسئول بازگرداندن قیمت کالاهای معیوب در قبال پس فرستاده شدن کالاها از سوی خریدار، به علاوه جبران خسارات واردآمده به مصرف‌کنندگانی که خساراتشان مستقیماً ناشی از عیب موجود در کالای واسطه بوده است، می‌باشد. بنابراین، ادعای جبران سایر خسارات، بیش از آنچه گفته شد، به علت دور بودنشان از عیب نهفته رد شد. البته این موضوع به این معنی نیست که امکان دریافت مابه‌ازای نقض تعهد راجع به دریافت کالای معیوب در حقوق کامن‌لا پذیرفته نیست، بلکه معیار در جبران این خسارات، دور نبودن ضررهای وارده با عیب موجود در کالای تحویل داده شده است. از این‌رو در بسیاری از پرونده‌های دیگر با رعایت همین معیار و وجود رابطه مستقیم میان عیب کالا و ضرر وارد آمده، حکم به جبران کلیه خسارات شده است.

در بعضی موارد، طرف دعوای عرضه‌کننده کالای معیوب، مصرف‌کننده نهایی است که در این حالت خواسته وی از عرضه‌کننده این است که قیمت کالای معیوب را به میزانی که دارای عیب است به نسبت قیمت واقعی آن پایین آورده و کاهش دهد. چنین تقاضایی در حقیقت منجر به الزام فروشنده به پرداخت مابه التفاوت ارزشی میان دو کالا آن‌گونه که در

۱. خسارات جبرانی ذیل عقود ناقل ملکیت

در صورت انعقاد عقدی مانند بیع که فی نفسه ناقل ملکیت است، به محض وقوع عقد با رعایت شرایطی که دارد، انتقال ثمن و مثنی میان طرفین قراردادی، امری است لاجرم بدیهی. بنابراین، از آن پس باقی ماندن ملک دیگری در دست غیر، این انتظار را برای شخص ذی حق نسبت به شخص ذی‌ید به وجود می‌آورد که در وهله اول، او مال متعلق به وی را بازگرداند. (شهید ثانی، ۱۴۱۹ ه.ق: ۵۰۹) حال اگر این انتظار برآورده شد، کسی که تا پیش از این، ملک در دست او بوده است، نسبت به سود و زیانی که بماتعقب تسلیم برای مالک اصلی و ناشی از اعمالی که وی روی ملک خویش انجام می‌دهد، مسئولیتی نخواهد داشت، اما در صورتی که وی انتظار صاحب مال را برآورده نساخته و مال متعلق به وی را به او تسلیم نکند، آنگاه پیچیدگی‌های حقوقی نمایان می‌شود. به این صورت که ناقض انتظار مشروع دیگری تا چه میزان مسئول پاسخگویی در قبال پرداخت مابه‌ازای نقض تعهداتش است.

با توجه به اینکه در عقود ناقل ملکیت، وجود مالکی معین در ارتباط با مالی مشخص روشن است. بنابراین، انتظار بدیهی مالک از دارنده ید بر ملکش، این است که مال او را در ید وی قرار دهد. حال اگر وی چنین نکرد، با توجه به دربرگیرندگی موضوع انتقال ضمان، تنها در زمان تسلیم مال، چنانچه موضوع بیع به هر نحو قبل از تسلیم تلف شود، ضمان آن برعهده فروشنده و از مال اوست (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ ه.ق: ۱۷۲/۲)؛ چراکه وی در عالم واقع، انتظار خریدار، مبنی بر امکان استفاده‌اش از مال منتقله را هر چند که انتظار او در عالم اعتبار تحقق یافته، را برآورده نساخته است. این مسئولیت فروشنده از باب تخطی که نسبت به برآورده نمودن انتظار واقعی خریدار داشته، تنها در صورتی برآورده می‌شود که وی با تسلیم مابه‌ازایی همانند آنچه که در دست او تلف شده از عهده خسارات وارده به متعهدله برآید. (بجنوردی، ۱۴۰۱ ه.ق: ۳۰۹/۱) بنابراین، در این حالت، چنانچه متعهد ملزم به تسلیم مال مثلی با قیمتی بالاتر از قیمت قراردادی شود، وی خواه‌ناخواه، بعضی از خسارات وارد آمده به مشتری همچون بالا رفتن قیمت بازاری کالا را جبران می‌کند. بنابراین، در این حالت توجه به قیمت قراردادی کنار گذاشته و قیمت بازاری کالا مد نظر قرار داده می‌شود.

قیال انجام کاری نسبت به یکدیگر متعهد می‌شوند، پایبندی هر یک از ایشان به مفاد و ملزومات قراردادی، امریست معقول و مورد انتظار طرفین. مثال بارز این نوع قراردادها، تعهدات پیمانکاری است. به این صورت که پیمانکار متعهد می‌شود کاری را در زمان مشخص به ازای دریافت مبلغی در وقت معین از سوی کارفرما، برای وی به انجام رساند. شبیه همین مسئله را می‌توان در بیع سلف دید به گونه‌ای که فروشنده که گاه قرار است در آینده موضوع بیع را تدارک ببیند از پیش ثمن را دریافت می‌کند، لیکن توان تحویل موضوع قرارداد در وقت تعیین شده را از دست می‌دهد. یا در مواردی دیگر، هر چند، پیمانکار موضوع تعهدش را انجام داده، لکن مابه‌ازای قراردادی را در وقت تعیین شده، از سوی کارفرما دریافت نمی‌کند. حال باید دید از منظر فقه امامیه و حقوق ایران محدود برآورده‌سازی این انتظارات به چه نحوی است.

در فقه امامیه و حقوق ایران (طبق ماده ۲۳۷ قانون مدنی^۱) هنگامی که افراد ذیل عقدی لازم متعهد به انجام کاری می‌شوند، چنانچه از این وظیفه خود تخطی نمایند، در اولین وهله باید از سوی متعهد مجبور به انجام تعهد شوند و اگر این امر امکان‌پذیر نبود، آنگاه به هزینه ایشان، موضوع تعهد به واسطه دیگری انجام شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۲۴)

هنگامی که نقض عهد در تعهدات الزامی رخ می‌دهد، چنانچه انجام تعهد قراردادی پس از زمان تعیین شده، نیازمند انجام هزینه بیشتری نسبت به قیمت قراردادی باشد، اگر خود متعهد از سوی متعهدله ملزم به انجام تعهد شود یا اینکه هزینه انجام تعهد را پرداخته تا دیگری آن را انجام دهد، در حقیقت مابه‌ازای واقعی زیان‌دیده فارغ از قیمت قراردادی و مطابق با قیمت روز برآورده خواهد شد؛ به گونه‌ای که اگر قرار باشد وی هزینه انجام تعهد را بپردازد، پرداخت این هزینه با توجه به قیمت بازار و فارغ از قیمت قراردادی، انتظارات متعهدله را برآورده خواهد ساخت. حال در فرضی که متعهد به پرداخت ثمن، در موعد مقرر پول پیمانکار را نپردازد، جبران انتظارات او مخصوصاً در زمانی که ارزش پول دارای نوسان شده به چه نحو می‌تواند باشد. در این حالت بسیاری از فقها قائل به این شده‌اند که تغییر ارزش پول تفاوتی در تغییر پرداخت میزان عددی آن به طلبکار ایجاد نخواهد کرد. لیکن بر این نظر

۱. کسی که ملتزم به انجام شرط شده است، باید آن را به جا بیاورد و در صورت تخلف طرف معامله می‌تواند... تقاضای اجبار به وفای شرط کند.

۲. خسارات جبرانی ذیل تعهدات لازم غیرمملک

در بسیاری از موارد، هنگامی که افراد ذیل یک عقد لازم، در

وجودی زمان در تحقق انجام تعهد، متعهدله حق رد کردن موضوع تعهد به علت تأخیر را ندارد، مگر آنکه تأخیر در انجام تعهد، آنچنان زیاد باشد که دیگر تسلیم موضوع به متعهدله، هدف اولیه وی از ورودش به قرارداد را برآورده نسازد که در این حالت علم حقوق وارد اهداف فلسفی گشته و برای اشخاص حق خیار قائل می‌شود. (خراسانی، نرم‌افزار جامع اهل بیت: ۴۱۶/۱)

مسئله مهمی که در رابطه با موضوع تأخیر در تسلیم با دو قسیم خود که طرحش آمد، مطرح می‌شود، امکان و نحوه جبران خسارت زیان‌دیده از این بابت است.

در صورت اول که تأخیر در تحویل موضوع قرارداد موجب بی‌اثر شدن ماهیت وجودی تعهد نمی‌شود، صرف تأخیر، تنها ممکن است زیان‌هایی را برای متعهدله به بار آورده باشد. لیکن وی در هر حال به علت اخذ موضوع تعهد، دیگر نمی‌تواند خسارتی را که مابه‌ازای نقض تعهد است، دریافت کند. از همین رو چنانچه در پی تأخیر در اخذ موضوع تعهد، زیانی به متعهدله وارد آمده باشد که جبران آن در قرارداد شرط شده یا از منظر عرف یا قانون الزام‌آور تلقی شود (ماده ۲۲۱ و ۲۲۵ قانون مدنی^۱)، بدیهی است که ناقض باید از عهده آن برآید. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۱۲) بنابراین، شایان توجه است که گاه تأخیر در انجام تعهد به واسطه نوسانات اقتصادی که در بازار وجود دارد، موجب افت یا افزایش قیمت موضوع تعهد گشته و برای متعهدله زیان‌آور است. از همین‌رو عرف در چنین وضعیتی قائل به این است که چنانچه پیش‌بینی تحقق ضرر به متعهدله از سوی متعهد امکان‌پذیر است، متعهد لاجرم باید این خسارات را جبران کند. بنابراین در وضعیتی که قرار بوده محموله شگری در وقت معین به مکانی برسد، حال آنکه با تأخیر به وجود آمده، قیمت شکر دچار افت شود، می‌توان گفت در صورتی که متعهد، خود نیز پیش‌بینی افت قیمت در اثر تأخیر را می‌کرده، قطعاً وی مسئول جبران مابه‌التفاوت به وجود آمده است. از همین‌روست که فقها قائل به این شده‌اند که چنانچه زمان انجام تعهد قراردادی، مشکوک میان دو مدت باشد - به صورتی که اگر متعهد بگوید موضوع تعهد را در ماه ربیع انجام می‌دهم و از آنجا که مشخص نکرده منظورش ربیع‌الاول است یا ربیع‌الثانی

مشهور این ایراد وارد است که امروزه پول در حقیقت واحد اعتبارسنجی قدرت خرید است و بنابراین واحدهایی چون ریال، تومان یا دلار از تشخیص عینی بهره‌مند نبوده است. (مطهری، ۱۳۹۵ ه ق: ۳۲۰/۲۰) بنابراین، همان‌طور که در فروض بالا نیز گفته شد، در این فرض نیز بعید نیست که گفته شود پس از گذر انجام تعهد پولی از زمان معین قراردادی، متعهد باید قیمت روز بازاری عمل پیمانکار که قبلاً انجام داده را فارغ از قیمت قراردادی آن، محاسبه و به وی پرداخت کند. طرح این نظر را می‌توان از لحاظ اصولی، بنا به قاعده احتیاط مبنی بر لزوم حصول یقین نسبت به فراغ ذمه از دین ارجح دانست. در هر حال آن‌گونه که آمد، روشن شد که پرداخت مابه‌ازای نقض تعهدات قراردادی از طریق خسارات جبرانی در فقه امامیه و حقوق ایران علاوه بر امری بدیهی بودن، در بسیاری از موارد با توجه به ملاک قرار گرفتن قیمت بازاری کالا یا عمل تعهد شده به نظام حقوقی کاملاً نزدیک می‌شود.

۳. تحویل همراه با تأخیر موضوع تعهد

گاه در شرایطی متعهدین قراردادی هر چند قادر به انجام تعهدات خویش هستند، لیکن بنا به دلایلی، امکان انجام آن در وقت مقرر قراردادی میسر نبوده به نحوی که انجام تعهد، همراه با تأخیر شده که تبیین وضعیت آن در فقه امامیه و حقوق ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در صورت وقوع تأخیر در انجام تعهد، در فقه امامیه و حقوق ایران، گاه زمان انجام وعده، رکنی اساسی در ماهیت وجودی تعهد است؛ به نحوی که ماهیت انجام تعهد تحقق نمی‌یابد، مگر آنکه زمان آن نیز مراعات شده باشد. (امامی، ۱۳۹۹ ه ق: ۲۱۱/۱) بنابراین، همان‌گونه که در عبادات، واجبات موقت [دارای وقت معین] باید در زمان خود انجام گیرند و در غیر آن زمان، انجام آنها اثری نداشته مگر به رضایت شارع و به نیت قضا، چنانچه متعهد قراردادی نیز انجام تعهد خویش را به تأخیر اندازد، گویی انجام خارج از وقت آن دیگر اثر نداشته مگر به رضایت متعهدله.

در مواردی دیگر، وجود زمان در انجام تعهد، صرفاً محدوده‌ای زمانی حول محور تحقق بهتر آن می‌باشد که در این حالت، در حقیقت، مفهوم تعهد همراه با زمان یک مفهوم مشکک است؛ به نحوی که از حد اعلی آن تا حد سفلی، در هر زمانی انجام شود، دارای اثر بوده لیکن اگر در وقت خود انجام شود، در درجه اعلی خود قرار گرفته و با هر لحظه تأخیر، از مرتبه اعلی خود نزول می‌کند. لیکن به علت فقدان ماهیت

۱. ماده ۲۲۱: متعهد در صورت تخلف مسئول است مشروط بر اینکه جبران خسارت شرط شده باشد و یا عرفاً به منزله تصریح باشد. ماده ۲۲۵: متعارف بودن امری در عرف و عادت..... به منزله ذکر در عقد است.

۴. تحویل کالای معیوب

گاه در مواردی، متعهد هر چند به وعده خویش در وقت مقرر عمل می‌کند، لیکن موضوع تعهد را آن‌گونه که در قرارداد آمده انجام نمی‌دهد؛ به گونه‌ای که از منظر قراردادی، موضوع تعهد ناقص و معیوب است. در این حالت نیز دو فرض متصور است. ۱- نقض و عیب به گونه‌ای است که عنوان آنچه در عالم واقع تحویل داده شده است، به هیچ‌وجه، حتی ذیل مفهوم اقل قراردادی نیز نمی‌گنجد. برای مثال در قرارداد ذکر شده «یک تن هندوانه»، لیکن وقتی بار تحویل داده می‌شود، هندوانه‌ها همه خراب هستند؛ به گونه‌ای که بر آنها عنوان هندوانه صدق نمی‌شود و گویی اصلاً هندوانه‌ای حتی در مفهوم اقل قراردادی تحویل خریدار نشده است. ۲- نقض و عیب تنها مانع به وجود آمدن عنوان اکمل بر موضوع تعهد می‌شود. (میرزای قمی، ۱۴۱۳ ه.ق: ۶۷/۳) برای مثال هندوانه‌هایی که پوستشان زخمی است، اگرچه هندوانه‌های عالی نیستند، لیکن به علت قابل استفاده بودنشان، عنوان هندوانه در معنای غیراکمل، بر آنها صدق می‌کند. در فرض اول، در حقیقت، گویی موضوع تعهد انجام نشده است و بنابراین، متعهدله بنا به وضعیت‌های مختلف می‌تواند متعهد را ملزم به دادن هندوانه‌های سالم مطابق آنچه در قرارداد آمده است، بکند یا آنکه معامله را فسخ کند و قیمت قراردادی را پس بگیرد. البته در این حالت نیز امکان دریافت مابه‌التفاوت قیمت بازاری کالا با قیمت قراردادی را می‌توان از باب تسبیب مطالبه کرد. بنابراین، در این حالت می‌توان با کنار گذاشتن قیمت قراردادی، متعهد را ملزم به پرداخت قیمت بازاری روز هندوانه‌ها به متعهدله کرد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۸۵/۲)

در حالت دوم، هرچند بر کالا صدق عنوان اکمل نمی‌شود، لیکن موضوع تحویل داده شده ذیل مفهوم اقل قراردادی می‌گنجد. بنابراین در این حالت، باید در پی جبران خلأ به وجودآمده میان مفهوم کامل قراردادی با موضوعی که به طور ناقص تحویل داده شده، باشیم. بنابراین، با توجه به اینکه با تحویل هندوانه‌های معیوب، تعهد قراردادی انجام شده است و از این پس، قرارداد صرفاً وسیله‌ای برای تطبیق موضوع خارجی با مفهوم انتزاعی قراردادی است، می‌توان برخلاف نظر بسیاری از فقها، با کنار گذاشتن قیمت قراردادی و نسبت‌سنجی و با استفاده از ملاک قرار دادن قیمت بازاری هندوانه‌های سالم آن‌گونه که در قرارداد آمده با قیمت بازاری هندوانه‌های معیوب آن‌گونه که در عالم واقع تحویل داده شده است، مابه‌التفاوت میان آن دو را از باب ارزش به متعهدله

و نیز از آنجا که مشخص نکرده چه روزی از ماه ربیع، به علت تأثیر وجودی زمان در میزان تغییر سود و زیان حاصله برای متعهدله - چنین تعهدی باطل است. (قمی، ۱۴۱۲ ه.ق: ۱۲۳/۱۹) پس چرا نباید در فرضی که زمان انجام تعهد هرچند مشخص است، لیکن متعهد در انجام آن تأخیر می‌ورزد و در پی آن به متعهدله خسارت میزند، مسئول تلقی نشود و مابه‌ازای قراردادی آن را نپردازد. بنابراین، در این حالت، هر چند تعهد قراردادی به علت تعیین دقیق زمان انجام تعهد باطل نبوده، لیکن جبران زیان‌های وارد آمده به متعهدله از سوی متعهد حداقل مابه‌ازایی است که می‌تواند جایگزین مناسبی برای عدم انجام به موقع تعهد قراردادی باشد.

در حالت دوم که در پی تأخیر در انجام تعهد، دیگر انجام آن برای متعهدله بدون موضوعیت است، با توجه به اینکه تحقق عدم موضوعیت، گاه بنا به امری درونی و گاه بنا به امری خارجی است، به صورتی که تأخیر در آوردن غذا برای جشن تولد خاتمه‌یافته، مصداق عدم موضوعیت درونی و تأخیر در تحویل کالایی که تا دیروز فروش آن ممنوع بوده، لیکن امروز ممنوع شده است، مصداق عدم موضوعیت خارجی است. در حالت اول، آوردن غذا، فی‌نفسه برای متعهدله اهمیت نداشته، بلکه اهمیت آن مقدمه‌ای برای بهتر برگزار شدن جشن تولد بوده است. بنابراین، پرداخته شدن پول غذا از سوی متعهد به متعهدله به عنوان خسارت، فایده‌ای برای او نداشته، بلکه جبران خسارت باید بسته به تأثیر عدم تحویل غذا در به هم ریختگی جشن تولد و خساراتی که ایجاد کرده، احتساب شود. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ه.ق: ۱۳۶/۲)

در حالت دوم، اخذ خود کالا نیز فی‌نفسه برای متعهدله ارزشمند بوده و حال که به علت تأخیر در اخذ، اکنون فروش آن ممنوع شده است، به نظر، متعهدله مستحق قیمت بازاری کالا در زمان تحویل، فارغ از قیمت قراردادی آن است. از طرفی با توجه به اینکه اگر کالا در موعد مقرر به دست خریدار می‌رسید، او می‌توانست با فروش آن به سود سرشار دست پیدا کند و از آنجا که اسباب رسیدن به این سود، با توجه به بازار عالی که در رابطه با آن کالا وجود داشته، فراهم بوده می‌توان گفت که رسیدن به این سود برای متعهدله، ممکن‌الوصول تلقی گشته که به علت تأخیر حاصله از سوی متعهد، در تحقق این امکان بالقوه به بالفعل خلل ایجاد شده و لذا در چنین حالتی می‌توان ناقض را ذیل عنوان محروم نمودن متعهد از شانس به دست آوردن سود بیشتر، مسئول جبران خسارات دانست. (شاهرودی، ۱۴۲۶ ه.ق: ۵۲۶/۲)

پرداخت کرد.

در صورتی که عیب در کالا پنهان باشد و موجب آسیب رساندن به مصرف‌کننده نهایی شود، جبران این خسارت را تنها باید از طریق قاعده «قابلیت استناد» حل کرد؛ به گونه‌ای که اگر بتوان خسارت واردآمده به مصرف‌کننده را مستند به فروشنده کالای معیوبی که در کالای نهایی به کار برده شده دانست، همو مسئول پرداخت مابه‌ازای نقض تعهد است. از سویی، در هر حال وی مسئول جبران خسارات واردآمده به عرضه‌کننده کالای نهایی نسبت به تعویض کالای معیوبی که به او فروخته و از این بابت مانع شانس او در کسب سود بیشتر شده است، خواهد بود (شاهرودی، ۱۴۱۹: ۱۵۲ ق).

بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم خسارات جبرانی به عنوان مابه‌ازای نقض تعهدات قراردادی در حقوق کامن‌لا، فقه امامیه و حقوق ایران نهفته در برآورده ساختن زبان‌های ناشی از نقض توقعات قراردادی است که خود به دو دسته انتظارات مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. در تمامی نظام‌های حقوقی مذکور، جبران زیان‌های مرتبط با توقعات مستقیم قراردادی امری بدیهی است؛ حال آنکه جبران زیان‌های مربوط به توقعات قراردادی غیرمستقیم تنها در صورتی امکان‌پذیر است که امکان پیش‌بینی ورود این زیان‌ها در پی نقض تعهدات قراردادی، معقولانه به نظر آید که در این صورت، بنا به قواعد موجود در نظام‌های حقوقی، جبران این توقعات نیز امری بدیهی است. بنابراین، محدوده خسارات جبرانی منوط به امکان پیش‌بینی معقولانه آنها از سوی طرفین قراردادی است.

مسئله مهمی که در رابطه با نحوه محاسبه خسارات جبرانی وجود دارد، معیاری است که باید مدنظر قرار داده شود؛ بدین صورت که آیا معیار محاسبه را باید قیمت قراردادی، واقعی یا بازاری توقعات از دست رفته قرار داد که با توجه به هدف خسارات جبرانی، مبنی بر قرار دادن زیان دیده در وضعیتی که اگر قرارداد به درستی انجام می‌شد، او در آن وضعیت قرار می‌گرفت، معیار اولیه در محاسبه این نوع خسارات، قیمت بازاری انتظارات از دست‌رفته است.

منابع

امامی، سیدحسن (۱۳۹۹ق). *حقوق مدنی*. جلد ۱. تهران: انتشارات اسلامی.

انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ق). *مکاسب*. جلد ۶. چاپ اول. قم: کنگره شیخ انصاری.

بجنوردی، سیدمحمد (۱۴۰۱ق). *قواعد فقهیه*. جلد ۱. چاپ سوم. تهران: عروج.

خراسانی، علی (بی‌تا). *شرح تبصره المتعلمین*. جلد ۱. قم: نرم-افزار جامع فقه اهل بیت (ع).

شاهرودی، سیدمحمد (۱۴۱۹ق). *بایسته‌های فقه جزا*. چاپ اول. تهران: میزان.

_____ (۱۴۲۶ق). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*. جلد ۲. چاپ اول. قم: مؤسسه دائره المعارف اسلامی.

شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۹ق). *فوائد القواعد*. چاپ اول. قم: انتشارات تبلیغات اسلامی.

طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۱ق). *حاشیه المکاسب*. جلد ۲. چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*. چاپ سوم. تهران: المکتبه المرتضویه.

فرهنگ نامه فارسی دهخدا. قانون مدنی.

قمی، سیدمحمد (۱۴۲۰ق). *المرتقی الی الفقه الأرضی*. جلد ۲. چاپ اول. تهران: مؤسسه دارالجلی.

کابلی، فیاض (بی‌تا). *تعالیق مبسوطه علی العروه الوثقی*. جلد ۶. چاپ اول. قم: محلاتی.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹ش). *قانون مدنی در نظم کنونی*. چاپ ۲۶. تهران: میزان.

محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶ق). *قواعد فقه*. جلد ۲. چاپ دوازدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مطهری، مرتضی (بی‌تا). *فقه و حقوق*. چاپ اول. قم: نرم‌افزار جامعه فقه اهل بیت (ع).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). *استفتائات جدید*. جلد ۱. چاپ دوم. قم: انتشارات علی بن ابی‌طالب (ع).

میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *جامع الشتات*. جلد ۳. چاپ اول. تهران: کیهان.

Andrew, Neil (2011). *Contract law*. first edition. England: Cambridge press.

Arvind, T. T. (2017). *Contract law*. first Edition. Britain: Bell & Bein ltd.

Chen- Wishart, Mindy (2015). *Contract law*. sixth Edition. London: oxford press.

- Collins, Hugh (2003). *The law of contract*. fourth Edition. London: lexis nexis.
- "Dictionnaire du Francais". oxford publication.
- Forte, A. D. M. (2000). *Good faith in contract and property*. First Edition. North America: Hart publishing.
- Mckendrick, Ewan (2000). *Contract law*. fourth Edition. Newyork: palgrave.
- Mulcahy, linda (2008). *Contract law in perspective*. fifth edition. London: Routledge Cavendish.
- "Oxford Advance Dictionary". oxford publication.
- Park, Milton (2009). *Contract law*. sixth edition. Newyork: Routledge-Cavendish.
- Treitel, sir Guenter (2003). *The law of contract*. Eleven Edition. London: sweet & Maxwell.
- Young, Max (2009). *Understanding contract law*. first edition. USA: Routledge- Cavendish.
- Zimmermann, Richard (1222). *The law of obligations*. first edition. London: juta & co, ltd.